درخواست پلیس برای افزایش میزان مجازات جرایم تعزیری

رئیس پلیس آگاهی فراجا با بیان این‌که پلیس آگاهی همه قتل‌ها را کشف می‌کند، گفت: ما از قوه مقننه و قوه قضاییه درخواست می‌کنیم میزان مجازات جرم‌های تعزیری افزایش پیدا کند. سردار محمد قنبری با بیان این نکته که پلیس آگاهی نقش کشف جرم را بر عهده دارد و این پلیس بیش از ۱۵۰ سال است سابقه فعالیت دارد، گفت: در واقع بیشتر پلیس‌های تخصصی دیگر از این پلیس جدا شده‌اند و پلیس آگاهی مادر تمام پلیس‌هاست. وی افزود: در حال حاضر پلیس آگاهی در سه بخش تخصصی مبارزه با جرایم جنایی، مبارزه با سرقت و مبارزه با جعل و کلاهبرداری فعالیت می‌کند.

در حوزه جرایم جنایی، کارآگاهان ما به سطحی از قابلیت رسیده‌اند که در دنیا حرفی برای گفتن دارند. شاید باورتان نشود اما ما ۱۰۰ درصد قتل‌های کشور را در زیر یک ماه به نتیجه می‌رسانیم و حتی مواردی داریم که در کمتر از ۴۸ ساعت پس از قتل، قاتل توسط همکاران ما دستگیر و تحویل قانون داده می‌شود. همچنین در جرائم دیگری مانند گروگان‌گیری نیز این اتفاق می‌افتد و مبارزه با این جرایم خیلی سریع به نتیجه می‌رسد. رئیس پلیس آگاهی فراجا در پاسخ به این پرسش که چرا در حوزه مبارزه با سرقت به این حد از ارتقاء و موفقیت نرسیده‌ایم، اظهار کرد: برای پاسخ به این پرسش ابتدا باید سارقان را دسته‌بندی کنیم. سارقان به دو گروه سارقان خرد و سارقان حرفه‌ای تقسیم می‌شوند. سارقان خرد افرادی هستند که به دلایل مختلف ممکن است دست به سرقت بزنند و دیگر آن را تکرار نکنند؛ اما سارقان حرفه‌ای افرادی هستند که سرقت به شغل و حرفه آنان مبدل شده و در واقع آنها تجارتی پرسودتر از سرقت پیدا نمی‌کنند .پلیس با این دسته از سارقان حرفه‌ای به صورت جدی برخورد می‌کند و این افراد را با طرح‌های مختلفی چون طرح پایش الکترونیک تحت کنترل داریم. ما با اجرای طرح پابندهای الکترونیک، این افراد را حتی خارج از زندان هم زیر نظر داریم.

جام جم
حوادث
INCIDENT
۱۹
یکشنبه ۲۰ آبان ۱۴۰۳ شماره ۶۹۰۳

نقشه مرد رمال که قصد اخاذی داشت با آزمایش دی‌ان‌ای فاش شد

جازدن پسر افغان به جای کودک ربوده شده

لیلا حسین‌زاده
گروه حوادث

بـا گـذشـت ۱۱ سـال از ناپدیدشدن محمدحسین بهرمند، کودک هفت‌ساله کرمانی و جست‌وجوهای مداوم خانواده و پلیس برای یافتن سرنخی از او، تلاش‌های آنان همچنان راه به جایی نبرده است و پدر محمدحسین چشم‌انتظار بازگشت پسرش به خانه است. مرد رمالی برای این‌که بتواند از این خانواده اخاذی کند، پسری افغان را به جای پسر آنها جا زده بود که نقشه‌اش با آزمایش دی‌ان‌ای فاش شد.

سرآغاز ماجرای گم‌شدن محمدحسین به سال ۱۳۹۲ و زمانی برمی‌گردد که او یک کودک هفت‌ساله بود. شب حادثه، محمدحسین در کوچه بود که یک موتورسوار ناشناس به او نزدیک شد و شروع به حرف‌زدن کرد. در تمام این مدت، پسرعموی تقریبا هم‌سن‌وسال محمدحسین شاهد این قضیه بود و ماجرا را به خانواده اطلاع داد.

پدر از آن شب برای جام‌جم تعریف می‌کند: «از در خانه که بیرون آمدم، از دور دیدم که یک موتورسوار پسرم را با خودش برد. درواقع کسی محمدحسین را مجبور نکرده و خودش سوار موتور شده بود. موتورسوار را تعقیب کردیم، اما شب بود و نفهمیدیم از کدام کوچه و پس‌کوچه رفت. بعد از مفقودی پسرم، هیچ‌کس با ما برای درخواست پول یا کمک به پیداکردن محمدحسین تماس نگرفت. پلیس جست‌وجوها را آغاز کرد و ما نیز همزمان تقریبا همه‌جا را دنبال پسرم گشتیم، اما انگار قطره‌ای آب شده و به زمین فرو رفته بود. بعد از این ماجرا، یکی از اقوام ما گفت رمالی را می‌شناسد که غیبگوست و می‌تواند به ما در یافتن محمدحسین کمک‌کند، ما هم قبول کردیم.»

به گفته یکی از بستگان کودک گمشده، این رمال ساکن جیرفت بود و خانواده محمدحسین برای یافتن ردی از او، نزد این رمال رفتند، اما ادعاها و جست‌وجوها بی‌نتیجه بود. با گذشت ۱۱ سال از این ماجرا، همان رمال دوباره با پدر محمدحسین تماس گرفت و گفت پسر جوانی با مشخصات کودک گمشده او پیدا شده است. او مدتی به افغانستان فرار کرده و حالا به ایران برگشته و اگر فرزندتان را می‌خواهید دنبال او بیایید. خانواده کودک گمشده به نشانی که رمال داده بود، رفتند و با مرد جوانی که گفته می‌شد محمدحسین است، دوباره به کرمان برگشتند.

به گفته پدر محمدحسین، در مدتی که دنبال نشانی از او می‌گشتند، پلیس پرونده مفقودی محمدحسین را باز نگه داشته و روی آن تحقیق می‌کرد و گاهی هم از آنها می‌پرسید که خبری از پسرتان شده است یا خیر. پدر دوباره پلیس را در جریان جست‌وجوها قرار داد و قاضی به او گفته بود وقتی برای آوردن آن مرد جوان رفته بودید، باید به ما هم اطلاع می‌دادید تا همراه‌تان نیرو اعزام کنیم.

پدر ادامه داد: «وقتی آن جوان به کرمان برگشت، برخی از اهالی و اقوام به دیدن او آمدند. می‌گفتند او ۱۲-۱۰ سال از خانواده دور بوده و در این مدت چهره و اندامش تغییر کرده است.

بعضی گفتند شبیه خانواده ماست و بعضی هم هیچ شباهتی نیافتند. به مناسبت آمدن این جوان حتی برای او مراسم و مهمانی هم گرفته شد. در مدت یک هفته‌ای که نزد ما زندگی می‌کرد، برخی برای پیداشدن محمدحسین نذرهایی کرده و می‌خواستند آن را ادا کنند. در این مدت این جوان خیلی سعی می‌کرد خودش را با زندگی ما وفق دهد. برادر محمدحسین و مادرش، از همان ابتدا این جوان را به‌عنوان عضو گمشده خانواده نپذیرفتند، اما او سعی داشت خودش را به ما بقبولاند. خیلی فیلم بازی می‌کرد و می‌گفت ۱۲ سال زجر کشیدم و در افغانستان مجبورم می‌کردند باركشی هیزم انجام دهم. چشم‌های او شباهتی به ما نداشت و بیشتر شبیه افغان‌ها بود. گذشت تا این‌که پسرم گفت یک آزمایش دی‌ان‌ای از او بگیریم تا مشخص شود که او برادر واقعی من است یا نه. قرار شد آزمایش دی‌ان‌ای بگیریم و در این مدت هم همان رمال پیگیر قضیه بود و مدام می‌گفت از شما شیرینی می‌خواهم. گفتم اگر او فرزند واقعی باشد، به وعده‌ام عمل می‌کنم. رمال از ماهیت آزمایش دی‌ان‌ای خبر نداشت و نمی‌دانست با این آزمایش واقعیت ماجرا مشخص می‌شود و می‌گفت این آزمایش به چه دردی می‌خورد. گفتم مگر می‌شود هرکسی را به‌عنوان فرزند قبول کرد؟ خودم هم به آن پسر شک کرده بودم. به او گفتم اگر مشخص شود پسر ما نیستی، پلیس تو را دستگیر می‌کند، اما انگار اهمیتی نمی‌داد.»

از قرار معلوم آن رمال اطلاعاتی که پدر و خانواده محمدحسین داده بود را به آن جوان گفته بود تا در ارائه اطلاعات و سوالاتی که خانواده کودک گمشده از او می‌پرسیدند، دچار مشکل نشود.



پدر درباره نتیجه آزمایش گفت: «یک هفته بعد، پلیس زودتر جواب آزمایش را گرفت و مشخص شد این جوان پسر ما نیست و او درواقع ۲۷ ساله است. از قرار معلوم و در تحقیقات به پلیس گفته بود مادرش ایرانی و پدرش افغانی است.»

پدر آه بلندی کشید و گفت: «بعد از این همه سال روح و روانی برایمان نمانده و منتظر معجزه هستیم. این رمال بی‌وجدان آمد و داغ ما را با ادعایش تازه کرد. امیدوارم پسرم روزی دوباره به خانه برگردد و چشم‌مان به روی او روشن شود.»

عدلیه

شوخی مرگبار در میدان میوه و تره‌بار

پسر جوانی که در درگیری با همکارش بر سر شوخی نابه‌جا در میدان میوه تره‌بار او را به قتل رسانده بود، دستگیر شد.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، ساعت ۱۸ جمعه یکی از ماموران کلانتری خانی‌آباد نو در تماس با بازپرس کشیک قتل دادسرای جنایی تهران اطلاع داد پسر ۲۱ ساله تبعه افغانستان و کارگر میدان میوه و تره‌بار در بیمارستانی در شهرری فوت کرده است. ماموران با هماهنگی قضایی به بیمارستان اعزام شده و پی بردند او در اثر دو ضربه چاقو که به قفسه سینه و شکمش اصابت کرده به قتل رسیده است. ماموران برای بررسی ماجرا به میدان میوه و تره‌بار جنوب شهر تهران که محل درگیری مرگبار بود، اعزام شدند. معلوم شد مقتول در بخش فروش این میدان کار می‌کرده که ساعت ۹ صبح در اثر درگیری با همکارش به قتل رسیده است.

با آغاز تحقیقات در محل، یک راننده تاکسی نزد ماموران آمد و مدعی شد، صبح مردی افغان را که زخمی بوده سوار کرده و به بیمارستان رسانده است. ماموران با بررسی مشخصات آن مسافر متوجه شدند آن مرد همان قاتل فراری است. ماموران با زیر نظر گرفتن محوطه بیمارستان قاتل را شناسایی و او را هنگام خروج از بیمارستان بازداشت کردند و مانع فرارش شدند. متهم ۲۳ ساله به اداره دهم پلیس آگاهی تهران منتقل و در اظهاراتش گفت: در افغانستان کارگری و کشاورزی می‌کردم. یک سال قبل از طریق قاچاق‌بران به ایران آمدم. مقتول از یک ماه قبل در میدان میوه و تره‌بار همکارمان شده بود. روز جمعه نزد من آمد و سعی کرد با شوخی راه دوستی را باز کند اما شوخی‌هایش به حرف‌های رکیک ختم شد. او با شوخی‌هایش اعصاب مرا به‌هم ریخت و ناراحتم کرد. او چاقویی برداشت و با آن پنج ضربه به من زد. من هم با همان چاقو دو ضربه به او زدم که باعث مرگش شد.



محسن اختیاری، بازپرس شعبه اول دادسرای جنایی تهران با تایید این خبر به جام‌جم گفت: با اعتراف متهم او در بازداشت به سر می‌برد و تحقیقات ادامه دارد.

عدلیه

بازداشت زن و مردی در پرونده دختر گمشده

دو سال بعد از ناپدید شدن دختر جوانی در تهران، زن و مردی به عنوان مظنون بازداشت شدند. تحقیق از آنها برای رازگشایی از سرنوشت دختر گمشده ادامه دارد.

به گزارش خبرنگار جام جم، اوایل پاییزسال ۱۴۰۱ خانواده‌ای با حضور در اداره چهارم پلیس آگاهی تهران شکایت کردند، دختر جوانشان از خانه خارج و ناپدید شده و تلفن همراهش هم خاموش شده است. ماموران به تحقیق در این رابطه ادامه دادند. آنها با بررسی پرونده اجساد مجهول‌الهویه باز هم ردی از دختر گمشده به دست نیاوردند. حتی افراد مختلفی که با این خانواده و زن گمشده اختلاف داشتند، احضار شدند و مورد تحقیق قرار گرفتند اما معلوم شد هیچ‌کدام از سرنوشت دختر جوان اطلاعی ندارند. سرانجام با گذشت دو سال از ماجرای ناپدیدشدن این زن چند روز پیش ماموران با خبر شدند، آخرین نفری که با این زن ملاقات داشته یکی از دوستان قدیمی‌اش به نام مینا بوده که مدتی بعد از گمشدن شیما خانه‌اش را عوض کرده و به محله دیگری رفته است. او به عنوان مظنون در پرونده بازداشت شد و با انتقال به اداره چهارم پلیس آگاهی تهران در اظهاراتش گفت: دختر گمشده چندسالی از من بزرگتر بود و در یک محله زندگی می‌کردیم. در آرایشگاه با او دوست شدم. بعد از مدتی به من گفت که با مردی آشناشده و ارتباط عاشقانه‌ای میان آنها شکل گرفته است. اما وقتی شرایط آن مرد و زندگی‌اش را برایم تعریف کرد گفتم در این ارتباط دچار مشکل می‌شوی و بهتر است از او جدا شوی. بعد از چند ماه به خاطر همان مرد با من دعوا کرد. از او خبری نداشتم تا این‌که پلیس مرا بازداشت کرد و فهمیدم دوست قدیمی‌ام دو سال است ناپدید شده و کسی از او خبری ندارد. بنا به گفته‌های این زن، هویت مرد مورد علاقه دختر گمشده شناسایی شد و او تحت تعقیب پلیس قرار گرفت و بازداشت شد. وی به عنوان مظنون دوم پرونده مورد تحقیق قرار گرفت و گفت: دو سال و نیم قبل در اینستاگرام با شیما آشنا شدم. مدتی ارتباط داشتیم تا این‌که دعوایمان شد و از هم جدا شدیم.





عظیم سهرابی، بازپرس شعبه نهم دادسرای جنایی تهران با تایید این خبر به جام‌جم گفت: با توجه به تناقض‌گویی‌های این زن و مرد، هر دو در بازداشت هستند تا تحقیقات از آنها برای رازگشایی از سرنوشت زن گمشده انجام شود.

محکمه

سرقت مرد افغان درتهران، برای زندگی خانواده‌اش در سوئیس

مرد سارق و پنج همدست به اتهام سرقت مسلحانه محاکمه شدند

«خانواده‌ام در سوئیس زندگی می‌کنند و من در تهران سرقت مسلحانه می‌کردم تا هزینه زندگی آنها را تأمین کنم.» این بخشی از دفاعیات مرد افغان است که شبکه بزرگ سرقت مسلحانه را در تهران تشکیل داده بود و از رانندگی سرقت می‌کرد. او پیش از این در پرونده‌ای متهم به مشارکت در قتل شده بود. سارق خشن و پنج همدستش در شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران محاکمه شدند.

به‌گزارش خبرنگار جام جم، در این پرونده شش مرد که از اتباع افغانستان هستند، متهم به سرقت مسلحانه خودروها در پوشش مسافر یا خریدار هستند. سرکرده باند همچنین در یک مورد پسر نوجوان هموطنش را سوار ماشین سرقتی کرده و با تهدید، گوشی تلفن همراهش را سرقت کرده بود. مأموران پلیس تهران پس از طرح شکایت‌های مشابه سرقت مسلحانه خودرو تحقیقات خود را آغاز کرده و با دستگیری سرکرده باند به‌نام سخی، پنج همدستش شناسایی و دستگیر شدند. با تکمیل تحقیقات در دادسرای ناحیه ۳۴ تهران، پرونده اعضای این باند برای محاکمه به شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شد.

در ابتدای جلسه محاکمه چهار نفر از شاکیان به طرح شکایت پرداختند. اولین شاکی مرد میانسالی است که گفت: «هنرمندم و کارخانه سنگ دارم. عادت دارم در مسیر اگر مسافری می‌دیدم سوار می‌کردم. روز حادثه در مسیر شهرری به باقرشهر زن‌ومردی کنار خیابان ایستاده بودند که سوارشان کردم. همان لحظه مرد افغان کنارم آمد و خواست او را هم برسانم که قبول کردم. زن و مرد زودتر پیاده شدند. به محل خلوتی رسیده بودیم که خواست توقف کنم. وقتی ایستادم سه مرد افغان دیگر سمتم آمدند. اسلحه کشید و گفت پیاده شو. می‌دانستم مقاومت کنم شلیک می‌کند. ماشین را بردند. پیاده خودم را به یک گاوداری رساندم و با پلیس تماس گرفتم. من هنرمند مجسمه‌ساز هستم و دزدان ماشینم و وسایل کارم را دزدیدند.»



دومین شاکی راننده اسنپ بود. او در تشریح شکایتش گفت: «سرکرده این باند ۲۰ آبان ۱۴۰۲ اینترنتی درخواست خودرو کرد. او را به کهریزک بردم که ناگهان اسلحه کشید. بعد مرا پیاده کرد و پرایدم را با خود برد. بعد از چند روز ماشین را درحالی‌که واشر سرسیلندر زده بود، در خیابانی رها کرد.»

دزدان در سومین سرقت، روش خود را تغییر دادند. به گفته شاکی «دزدان با مشاهده آگهی فروش پژو ۴۰۵ در دیوار، سراغ مالکش رفته و به بهانه بازدید فنی خودرو، مسلحانه آن را سرقت کردند. چندروز بعد هم در جاده قم به تهران تصادف کرده و ماشین را همانجا رها کردند.»

آخرین شاکی هم به قضات گفت: «سرکرده باند از شهرری به مقصد اسلامشهر ماشین را دربست کرایه کرد. در میانه راه اسلحه کشید و پیاده‌ام کرد. با ماشین رفت اما چنددقیقه بعد برگشت و ۵۰ هزار تومان پرت کرد و گفت با این پول دربست بگیر برو خانه. وقتی مأموران ماشین را پیدا کردند، دیگر حرکت نمی‌کرد.»

رئیس دادگاه سپس با تفهیم اتهام به متهم ردیف اول به نام سخی از او خواست از خود دفاع کند. مرد خشن گفت: «کارت اقامت داشتم اما به خاطر سابقه قبلی‌ام باطل شد. متولد بغلان افغانستان هستم و قاچاقی از مرز پاکستان به ایران آمدم. همسر و فرزندانم سوئیس زندگی می‌کنند و من برایشان پول می‌فرستادم. یک‌بار رفیقم زنگ زد همراهش بروم تا بدهی خود را بگیرد اما آن مرد را کشت و به اتهام مشارکت در قتل دستگیر شدم که بعد از رسیدگی قضات تبرئه‌ام کردند.»

متهم ادامه داد: «سرقت خودروها را قبول دارم. اسلحه را از یک صفحه اینستاگرامی ۲۵ میلیون تومان خریدم. به راننده‌ها پول می‌دادم که به خانه بروند. برادرم اسید خورده بود و برای نجات جان او سرقت می‌کردم. در جریان سرقت‌ها کسی را آزار ندادم. اموال سرقتی از راننده‌ها را داخل داشبورد ماشین پراید گذاشتم اما در جاده روغن کم کرد. رفتم روغن بگیرم، وقتی برگشتم همه وسایلش را همراه اموال سرقتی دزدیده بودند. من باید هزینه‌های درمان برادرم و زندگی خانواده‌ام در سوئیس را می‌دادم. همین باعث شد نقشه سرقت را بکشم. علاوه بر سرقت ماشین، پسر نوجوانی که هموطنم بود را در کهریزک سوار کرده و با تهدید گوشی‌اش را سرقت کردم. پیش از سرقت‌ها بنایی می‌کردم اما گرفتار اعتیاد شدم و نتوانستم دیگر کار کنم. ماشین‌ها را می‌دزدیدم و بعد با آن مسافرکشی می‌کردم. اگر ماشین خراب می‌شد یا تصادف می‌کردم، رهایش کرده و سراغ ماشین بعدی می‌رفتم.»

رئیس دادگاه: هر چند وقت یکبار سرقت می‌کردی؟

سخی: حدود دو ماه یکبار.

رئیس دادگاه: در این مدت رد مرز نشدی؟

سخی: یک بار رد مرز شدم و برگشتم.

در ادامه متهم ردیف دوم در جایگاه ایستاد و اظهار داشت: «قاچاقی به ایران آمدم و چوپانی می‌کردم. یک زن دارم که حاصل ازدواجمان هفت بچه است. اتهام سرقت را قبول ندارم.»

رئیس دادگاه: اما شاکی در این جلسه و در تحقیقات شما را شناسایی کرده.

متهم: اشتباهی دست روی من گذاشته.

در ادامه این جلسه، دیگر متهمان پرونده در جایگاه قرار گرفته و منکر شرکت در این سرقت‌ها شدند. قضات دادگاه پس از رسیدگی به این پرونده برای صدور حکم وارد شور شدند.



کوتاه از حوادث

هوشیاری مالباخته سارقان زن را گرفتار کرد

دو خواهر و یکی از اقوام‌شان که از شرق کشور به تهران آمده و به سرقت گوشی تلفن همراه از مسافران اتوبوس و مترو در تهران اقدام می‌کردند در آخرین سرقت‌شان به دام مالباخته افتادند و راز دزدی‌های سریالی‌شان فاش شد.

به گزارش خبرنگار جام جم، اوایل تابستان سال گذشته زنی با حضور در پلیس آگاهی تهران از سرقت گوشی تلفن همراهش خبر داد و معلوم شد در واگن مترو بوده که زنی به وی تنه زده و در یک چشم برهم زدن در میان جمعیت ناپدید شده و بعد که از مترو پیاده شده متوجه سرقت گوشی‌اش شده است. ماموران به دنبال سارقان زن فراری بودند که زنان و دختران جوان دیگری که گوشی‌های تلفن همراه آنها به شیوه‌ای مشابه در متروی تهران و اتوبوس‌های داخل شهر تهران سرقت شده بود، شکایت خود را مطرح کردند. تحقیقات نشان می‌داد سارقان سه زن بودند که پلیس به دنبال‌شان بود تا این‌که آخر هفته گذشته زنی با پلیس ۱۱۰ تهران تماس گرفت و اطلاع داد که برای کار درمانی به تهران آمده بوده که در متروی تهران گوشی‌اش را به سرقت بردند و اکنون به طور اتفاقی یکی از همان زنان سارق را در مهمانپذیری که اتاق گرفته دیده است. او نشانی را به پلیس داد و ماموران به آنجا اعزام شدند و زن متهم را که سمت بوفه ایستاده بود، شناسایی کردند و او بازداشت شد. ماموران متوجه شدند او یکی از همان سارقان فراری است. شهناز بازداشت و معلوم شد خواهر وی و زنی از اقوامش هم در همان مهمانپذیر با او هستند که اتاقشان شناسایی و آن دو نیز بازداشت شدند. متهمان به پلیس آگاهی منتقل شده و اعتراف کردند. شهناز در اظهاراتش گفت : هرسه نفرمان درشرق کشور زندگی می‌کنیم، چهار مرتبه بابت سرقت گوشی و جیب‌بری زندانی شدیم. سال‌ها قبل به زورخانواده‌ام با مردی ازدواج کردم که معتاد شد و قاچاقچی بود، آخر هم کارتن خواب شد و از هشت سال قبل من و فرزندم را رها کرد و رفت. زنی از اقوام به نام ننه لیلا یک جیب بر و سارق حرفه‌ای بود. هر زن که پول نداشت نزد او می‌رفت و آموزش دزدی می‌دید و برایش کار می‌کرد. او مادر جیب‌برها به شمار می‌رفت. با کمک او جیب‌بر شدم و با کمک باندم گوشی سرقت می‌کردیم. شریفی‌وند، بازپرس شعبه سوم دادسرای ناحیه ۳۴ تهران با تایید این خبر به جام‌جم گفت: با اعتراف این متهم زن، دو همدستش نیز گفته‌های او را تایید و به سرقت‌های سریالی اعتراف کردند. متهمان در بازداشت به سر می‌برند و تحقیقات از آنها ادامه دارد.



۲۹ مصدوم در آتش‌سوزی هتل

آتش‌سوزی در هتل رامتین خیابان ولیعصر(عج) تهران، به مصدومیت ۲۹ نفر منجر شد.

جلال ملکی، سخنگوی سازمان آتش‌نشانی تهران در این باره به جام‌جم گفت: ساعت ۹ دقیقه بامداد شنبه یک مورد حادثه آتش‌سوزی در مجتمع اقامتی (هتل رامتین) در خیابان ولیعصر(عج) حوالی پارک ساعی به آتش‌نشانی گزارش و نیروهای امدادی به آنجا اعزام شدند. آنها همزمان با حضور در محل متوجه مشاهده کردند در طبقه اول این هتل ۵ طبقه که آشپزخانه وجود داشته آتش آغاز و به سمت کافی‌شاپ کاملا شعله‌ور است. بر اساس اطلاعات اولیه تعداد زیادی از افراد در اتاق‌های خود محبوس بودند و دود کل طبقات را فراگرفته بود. در کنار آتش‌نشانان همراه با عملیات اطفای حریق، گروه‌های نجات بیش از ۴۰ نفر را که در شرایط ناایمن بودند از طریق راه‌پله‌ها و نردبان هیدرولیکی از طریق پنجره‌ها یا پشت‌بام از ساختمان خارج کردند. چون غلظت دود بسیار زیاد بود ۲۹ نفر از ساکنان که دچار دود‌گرفتگی شده بودند تحویل اورژانس شدند.

جنایت در بوستان ستارخان

دو مرد ناشناس فردی را در بوستان ستارخان تهران به قتل رساندند و متواری شدند.

به گزارش تسنیم، کشف جسد مرد جوانی در پارک ستارخان به مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ گزارش شد. ماموران با حضور در محل مشاهده کردند جسد مرد جوانی داخل اتاقک کوچک نگهبانی بوستان ستارخان افتاده که با چند ضربه چاقو از ناحیه شکم و قفسه سینه به قتل رسیده است. در بررسی‌های اولیه دوست مقتول که شاهد این جنایت بوده در تحقیق از او معلوم شد با مقتول در اتاقک نشسته بودند که دو مرد غریبه که چهره‌هایشان را پوشانده بودند به آنها حمله کردند و پس از کشتن دوستش متواری شدند. تحقیقات برای دستگیری متهمان فراری ادامه دارد.